

## اشاره

هنر تئاتر را به خاطر نزدیک بودن و یا - به عبارتی - انطباق با زندگی به عنوان هنری کامل می‌شناسیم. در دنیای دانش‌آموزی ابراز وجود و ایفای نقش یکی از خواسته‌های درونی است که هرگاه زمینه‌ای مناسب برای بروز پیدا کند و با استقبال و تشویق دیگران روبه‌رو شود، می‌تواند با عبور از لایه‌های ظاهری شخصیت، به شکل‌گیری و شکوفایی شخصیت اساسی دانش‌آموزان و اصلاح نگرش و تأثیر تربیتی آن‌ها کمک کند. در این میان، نقش معلمان در شناسایی دانش‌آموزان و کاربرد آگاهانه و هدف‌دار هنر نمایش بر کسی پوشیده نیست. تجربه‌های موفق همکاران فرهنگی همواره در این مورد همواره راه‌گشا بوده است. به یکی از این تلاش‌ها که در قالب اقدام‌پژوهی انجام پذیرفته و به شیوه‌ای داستان‌گونه تدوین شده است، توجه می‌کنیم.

کلید واژه‌ها: هنر تئاتر، کاهش پرخاشگری، تئاتر دانش‌آموزی

# هنر تئاتر و کاهش پرخاشگری

مرضیه فیروز جنگ / گرمه - خراسان شمالی



### توصیف وضع موجود و بیان مسئله

مدرسه مولوی جزء قدیمی ترین مدارس شهر گرمه است. من در سال ۸۹ - ۱۳۸۸ به عنوان آموزگار پایه پنجم در این مدرسه مشغول به خدمت شدم. روز اول وقتی به کلاس رسیدم، صدای هیاهوی بچه ها از آن شنیده می شد. با نشاط و شادی فراوان وارد کلاس شدم. کلاس ۳۱ نفر دانش آموز داشت و تا جلوی در آن میز چیده شده بود. چون کلاس کوچک بود، میز و صندلی من دقیقاً در زیر چارچوب کلاس قرار گرفته بود. تعدادی از دانش آموزان روی میزها ایستاده بودند. گروهی مشغول حرف زدن بودند و بعضی به سوی هم موشک کاغذی پرت می کردند. پس از آنکه حضور خود را با سرفه های اعلام کردم، دیدم که هر یک از بچه ها سعی دارد جایی برای خود پیدا کند و بنشیند. این شلوغی و بی نظمی را به حساب روز اول مهر گذاشتم اما بعد از آن نیز هر روز شاهد یک درگیری و یک ماجرا در کلاس بودم. تازه وقتی هم که درس را شروع می کردم، فقط کافی بود از یکی از دانش آموزان سؤالی کنم، تا او می خواست پاسخ بدهد، فوراً بقیه مسخره اش می کردند و با گفتن چند حرف نابجا نظم کلاس را بهم می زدند. وقتی دقت کردم دیدم که در میان ۳۱ نفر دانش آموز کلاس فقط چند نفر واقعاً پایبند هیچ اصلی نیستند و همیشه و در هر ماجرای هم حضور دارند. تعدادی نیز به تبعیت از آنان خود را درگیر می کردند و رفتارهایی چون گریه کردن، جیغ، حسادت، گوشه گیری و عصیان از خود نشان می دادند. سؤال من این بود که چرا دانش آموزان دچار پرخاشگری هستند و چگونه می توانم این وضعیت را بهبود بخشم و پرخاشگری آنان را کاهش دهم.

### گردآوری اطلاعات و ارائه شواهد

بر آن بودم که بینم شناخت دیگران از این کلاس چیست و خود دانش آموزان چه نظری در مورد کلاشان دارند؛ بنابراین، نخست با همکاری مدرسه مصاحبه هایی ترتیب دادم. طی این مصاحبه ها مدیر و معلمان کلاس های دیگر همه از رفتار دانش آموزان کلاس پنجم شاکی بودند و ابراز نارضایتی می کردند. والدین کودکان را به مدرسه دعوت کردم و از آن ها در مورد رفتار فرزندشان در خانه پرسیدم.

تعداد قابل توجهی از آنان نیز به رفتارهای پرخاشگرانه فرزندانشان اقرار می کردند.

به این ترتیب، گردآوری اطلاعات به منظور شناسایی دفعات، نوع خشونت و ناسازگاری در مدرسه ضروری به نظر می رسید. پس به تهیه پرسش نامه «زندگی من در مدرسه» اقدام کردم و در یک ساعت مقرر از دانش آموزان کلاس خود خواستم که با دقت به پرسش های مطرح شده جواب بدهند. نتایج پرسش نامه بسیار در خور توجه بود. در پاسخ به پرسش اول مبنی بر «مرا با نام دیگری خطاب کرد.» ۴۰ درصد از دانش آموزان گزینه «بیش از یک بار» را علامت زده بودند. در مقابل پرسش «با من به مهربانی سخن گفت» ۳۰ درصد گزینه «یک بار» را علامت زده بودند. در پاسخ به پرسش «به خانواده ام توهین کرد» نیز بیش از ۶۵ درصد دانش آموزان پاسخ مثبت بیش از یک بار را علامت زده بودند که نشان دهنده فراوانی این رفتار در بین دانش آموزان کلاس بود. در پاسخ به گزینه ۵ مبنی بر «مانع از بازی من شد» ۳۰ درصد دانش آموزان پاسخ بیشتر از یک بار را داده بودند. به این ترتیب، می توان گفت که همه معتقد بودند که کلاس پنجم مدرسه ما دانش آموزانی ناآرام دارد و هر کس سعی می کرد حرف خود را به کرسی بنشانند.

برای این که بتوانم اطلاعات خود را درباره دانش آموزان کلاسم کامل کنم، نمرات آنان را در چند ماه اول سال تحصیلی مشاهده کردم و دیدم که دانش آموزان پرخاشگر کلاس در بسیاری از دروس نسبت به دیگران نمرات کمتری کسب نموده اند. درصدهای به دست آمده از پرسش نامه نیز بیانگر این نکته بود.

### ارائه راه حل های موجود و ممکن و انتخاب راه حل جدید

با بررسی اطلاعات جمع آوری شده و تجزیه و تحلیل آن ها و مطالعه نظریات عالمان تعلیم و تربیت چند راه حل برای کاهش پرخاشگری نظرم را جلب کرد. این راه حل ها را آزمایش کردم و برایم مشخص شد که در بین آن ها نادیده گرفتن رفتار پرخاشگرانه دانش آموزان، فعالیت های ورزشی، دعوت از مشاور، اهدای هدایا و چند روش دیگر تأثیر چندانی در کاهش پرخاشگری دانش آموزان کلاس پنجم من ندارد اما در همین حال، روش تئاتر درمانی (اجرای نمایش) با استقبال شدید دانش آموزان روبه رو شد. بچه ها ایفای نقش را دوست داشتند؛



گروه‌بندی خود را براساس اصول علمی انجام دهم تا فعالیت گروه‌ها حداکثر اثربخشی را داشته باشد، گروه‌هایی ناهمگن متشکل از دانش‌آموزان کندآموز، تندآموز و میانی تشکیل دادم. در انتخاب اعضای گروه‌ها نیز به توانایی‌ها و سلیقه‌ها و علایق مشترک افراد توجه کردم. بنابراین سعی کردم دانش‌آموزانی را که با یکدیگر مشکل داشتند، در یک گروه قرار دهم. سپس با شیوه‌های دوستانه رضایت آن‌ها را جلب کردم که با هم کار کنند؛ زیرا تفاوت‌های افراد گروه باعث کارآمد شدن یادگیری و ایجاد محیطی آرام و پر از نشاط می‌شود. پس از تشکیل گروه‌ها به کمک اعضای هر گروه، اسمی برای آن انتخاب شد. سعی کردم این کار با توجه به نظر و سلیقهٔ بچه‌ها باشد. در ادامهٔ کار به آنان یادآور شدم که فقط اجرای نمایش برایم مهم نیست؛ باید هر گروه شرایط و ضوابطی را رعایت کند تا بتواند نمرهٔ کامل را بگیرد و بالاخره این‌که قرار گذاشتیم هنگامی که همهٔ گروه‌ها کار خود را ارائه دادند، طی جلسه‌ای گروه برتر را انتخاب کنیم و هدیه‌ای به آنان بدهیم.

روز بعد بدون اطلاع قبلی دانش‌آموزان و در حالی که آنان آماده شده بودند که مثل هر روز درس را شروع کنیم، مدیر مدرسه، مربی پرورشی و من در ساعت اول نمایشی را اجرا

بنابراین وقتی قرار شد که هر گروه، درسی را به صورت نمایش در کلاس اجرا کند، دانش‌آموزان کلاس خیلی خوشحال شدند. تمایل آنان به اجرای نمایش، باعث شد که این روش را انتخاب و در کلاس اجرا کنم و تمام فعالیت‌های خود و دانش‌آموزان را حول این محور قرار دهم.

### اجرای طرح جدید و نظارت بر آن

ایدهٔ تئاتر درمانی را با مدیر مدرسه در میان گذاشتم و او بسیار استقبال کرد. سپس با تشکیل جلسه‌ای، برنامهٔ موردنظر را برای والدین توضیح دادم و از آنان برای عملی کردن ایدهٔ خود یاری خواستم. بعد از این مرحله، کارم در کلاس شروع شد.

در ابتدا نشستیم با بچه‌ها (دانش‌آموزان) برگزار کردم و اجازه دادم که هر یک نظر خود را بیان کند و با دقت به سخنان همه گوش دادم. دربارهٔ انواع نمایش برای بچه‌ها صحبت کردم و خوشحالی آن‌ها را دیدم.

در مرحلهٔ بعد دانش‌آموزان کلاس را به گروه‌های پنج‌نفری تقسیم کردم. در اجرای گروه‌بندی بسیار دچار مشکل شدم؛ بعضی‌ها نمی‌توانستند یکدیگر را تحمل کنند ولی بالاخره باید بچه‌ها را به گروه‌ها تقسیم می‌کردم. برای این‌که بتوانم

کردیم. ابتدا به‌طور ناگهانی با لباس نمایش وارد کلاس شدیم. بچه‌ها با تعجب به ما نگاه می‌کردند. نمایش چند دقیقه‌ای ما مورد توجه دانش‌آموزان کلاس قرار گرفت؛ به طوری که در پایان نمایش ما را حسابی تشویق کردند.»

اولین گروهی که باید درس جدید را به شیوه نمایش اجرا می‌کرد، با قرعه مشخص شد. در جلسه بعد درس تاریخ، گروه «مریم» با تمرین فراوان این فرصت را یافت که درس تشکیل حکومت اسلامی را ارائه کند. نمایش دانش‌آموزان حالت ابتدایی داشت و در آن اشکالاتی دیده می‌شد ولی از این‌که با کمک یکدیگر کاری را به انجام رسانده بودند، از فعالیتشان تشکر و قدردانی کردم. بچه‌ها نمایش را با ذوق و شوق فراوان نگاه می‌کردند و از تماشای آن لذت می‌بردند. هر گروه سعی می‌کرد که در جلسه بعد نمایش خود را اجرا کند. در هنگام اجرای نمایش‌ها با مشکلات فراوانی مواجه می‌شدیم. بعضی از بچه‌ها از نقش خود ناراضی بودند، بعضی به حرف سرگروه خود گوش نمی‌کردند و... اما در طول همه این مراحل فقط اشکالات را به آنان یادآوری می‌کردم و سعی داشتم کارها طوری پیش برود که هر گروه امتیاز لازم را کسب کند. گروه‌ها باید هماهنگی، مشارکت، همیاری و همکاری را رعایت می‌کردند. در این جهت به آن‌ها اجازه می‌دادم تا خود با مشکلاتشان مواجه شوند و خود مشکلات خویش را حل کنند. در بعضی از موارد که شاهد مشاجره دانش‌آموزان بودم، به‌طور غیرمستقیم و با بیان یک مسئله و کمک خواستن از دانش‌آموزان دیگر راهکار لازم را مطرح می‌کردم. همچنین در حین اجرای هر گروه در میان بچه‌ها می‌نشستم و در پایان هر نمایش کار آن گروه را تفسیر و

ارزیابی می‌کردم. به بچه‌ها هم اجازه می‌دادم تا نظراتشان را بگویند. به این ترتیب، دیگر در کلاس متکلم‌وحده نبودم. بچه‌ها با شور و نشاط کارهای خود را با استفاده از روش‌های مختلف نمایشی به هم ارائه می‌دادند.

## ارائه شواهد ۲

برای این‌که بفهمم دانش‌آموزان کلاس در چه وضعیتی قرار گرفته‌اند، بار دیگر پرسش‌نامه «زندگی من در مدرسه» را به اجرا گذاشتم و مشاهده کردم که آمار به‌دست آمده کاملاً با مرحله اول فرق کرده است.

در برابر پرسش اول: «مرا با نام دیگری خطاب کرد» ۱۰ درصد دانش‌آموزان گزینه یک‌بار را علامت زده بودند. این نشان‌دهنده آن بود که ۹۰ درصد دانش‌آموزان دوست خود را با احترام و با نام واقعی‌اش خطاب کرده بودند. در پاسخ به پرسش دوم: «با من به مهربانی سخن گفت» بیش از ۹۰ درصد دانش‌آموزان گزینه بیش از یک‌بار را انتخاب کرده بودند. این امر در مقایسه با مرحله اول که ۳۰ درصد گزینه یک‌بار را برگزیده بودند، در خور توجه بود. در پاسخ به پرسش سوم: «بی‌احترامی دانش‌آموزان به خانواده‌های یکدیگر» ۹۰ درصد دانش‌آموزان گزینه ایداً را مشخص و انتخاب کرده بودند. در مورد سؤال «سر من داد کشید» یا «سؤال احمقانه‌ای مطرح کرد» فقط ۱۰ درصد دانش‌آموزان گزینه یک‌بار را علامت زده بودند. نتایج پرسش‌نامه در خور توجه بود؛ زیرا دانش‌آموزان گزینه‌ها را با دقتی بیشتر از دفعه قبل انتخاب کرده بودند. وقتی مادر چند دانش‌آموز را به مدرسه دعوت کردم، در



## با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شود.

### مجله‌های دانش‌آموزی

این صورت‌ها، هفتاد و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند.

#### رشد کوکبک

ابری دانش‌آموزان ابتدایی (پایه اول، دوم، آموزش ابتدایی)

#### رشد خرچهره

ابری دانش‌آموزان پانجمی دوم و سوم (دوره آموزش ابتدایی)

#### رشد دانش‌آموز

ابری دانش‌آموزان پانجمی چهارم، پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم، دهم، آموزش ابتدایی

#### رشد نوجوان

ابری دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

#### رشد جوان

ابری دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

### مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند)

• رشد آموزش ابتدایی • رشد آموزش متوسطه • رشد تکنولوژی آموزشی

• رشد مدرسه نو • رشد مدیریت مدرسه • رشد معلم

### مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

• رشد برهان آموزش متوسطه اول (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه اول) •

رشد برهان آموزش متوسطه دوم (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم) •

رشد آموزش گستران • رشد آموزش معارف اسلامی • رشد آموزش زبان •

زبان فارسی • رشد آموزش هنر • رشد آموزش مشاور مدرسه • رشد آموزش تربیت بدنی •

رشد آموزش علوم اجتماعی • رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش جغرافیا •

رشد آموزش زبان • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک •

رشد آموزش فلسفی • رشد آموزش زیست‌شناسی • رشد آموزش زمین‌شناسی •

رشد آموزش قرآن و حدیث • رشد آموزش فلسفه • رشد آموزش فلسفه اسلامی •

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویمان، مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شود.

• نشانی: تهران، خیابان آرش‌شهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.

• تلفن و فکس: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸

صحبت با آنان متوجه شدم که از فرزندانشان گلایه‌ای ندارند. آن‌ها می‌گفتند که اخلاق دخترانشان در خانه بهتر از قبل شده است.

مدیر مدرسه ضمن بیان تأثیرات مطلوب نمایش و تئاتردرمانی در جلسه گروه‌های آموزشی در مورد بچه‌های کلاس من گفت که این دانش‌آموزان همکاری لازم را با او داشته و در اجرای برنامه‌های مدرسه در نظم و حرف‌شنوی پیش‌قدم شده‌اند. مربی پرورشی مدرسه نیز معتقد بود که پیش از آنکه به فکر برنامه‌ریزی برای مناسبت‌های متفاوت باشد، دانش‌آموزان کلاس من خودشان برنامه لازم را تهیه کرده بودند. معلمان دیگر مدرسه هم در حدی که رفتار تغییر یافته دانش‌آموزان کلاس مرا مشاهده کرده بودند، از وضعیت موجود رضایت داشتند. جالب این‌که چون برای آموزش تاریخ و مدنی، انشا فارسی و هدیه‌های آسمان از نمایش استفاده کرده بودم، نمرات این دروس نیز بهتر شده بود.

### ارزشیابی تأثیر اقدام جدید و تعیین اعتبار آن

«مورنو» روش نمایش‌درمانی (سایکودرام) را به‌صورت نمایش خودجوش خلق کرد. در روش نمایش‌درمانی به فرد کمک می‌شود تا به شناخت خود و تسلط بر خویش‌تن و طبیعت خویش نایل آید.

این روش به فرد اجازه می‌دهد تا استعدادها و توانایی‌های ذهنی و عاطفی خود را رشد و گسترش دهد.

رفتارهای دانش‌آموزان من بیانگر این بود که روش اجرا شده، توانسته است تخلیه هیجانی دربرداشته باشد و روش‌های سازگاری با خانواده و اجتماع را به دانش‌آموزان بیاموزد. بنابر شواهد (۱) میزان پرخاشگری دانش‌آموزان کلاس ۷۵ درصد برآورد شده بود؛ در حالی که در گردآوری اطلاعات (شواهد ۲) این رقم به ۲۰ درصد کاهش یافته بود. بالاخره این‌که پس از اتمام کار، گزارش اقدام‌پژوهی خود را به چند تن از روان‌شناسان و مشاوران نشان دادم و آن‌ها روش‌های به‌کار رفته جهت تغییر رفتار دانش‌آموزانم را تأیید کردند.



### حماسه سبانی و حماسه اقتصادی

#### برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۱۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سواره آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت الفست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

- ۱- مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir) و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات قبضه واریزی.
- ۲- ارسال اصل قبضه بانکی به همراه برگه تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (قبضه قبضه را نزد خود نگه دارید).

نام مجلات دو جلدی:

- نام و نام خانوادگی:
- تاریخ تولد:
- تلفن:
- نشانی کامل پستی:
- استان:
- شماره قبضه بانکی:
- شماره پستی:
- پلاک:

عنوان:

شماره اشتراک:

اگر قبلاً اشتراک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضاء:

نشانی تهران: مسئول پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵۱۱۱  
 وبگاه مجلات رشد: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)  
 شماره اشتراک مجله: ۰۲۱-۳۳۳۳۳۳۱۵ / ۳۳۳۳۳۳۱۰ - ۳۳۳۳۳۳۱۴

• هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هفت شماره): ۳۰۰۰۰۰ ریال  
 • هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۴۰۰۰۰۰ ریال